

لطیفه‌های شیرین و بانمک

حسن شکری پینوندی

شکری، حسن، ۱۳۴۹ -

لطیفه‌های شیرین و بانمک / مؤلف حسن شکری - قم: نیلوفرانه، ۱۳۹۰.

۱۱۲ ص.

ISBN: 978-600-5932-22-5

۱۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

کتابنامه: ص. ۱۱۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. لطیفه‌های فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها. ۲. طنز فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها.

۳. لطیفه - مجموعه‌ها. الف. عنوان.

ای ۳ / م ۳۳۷ / PIR

۸۶۸/۲۶۲



کتابخانه ملی ایران

نام کتاب: لطیفه‌های شیرین و بانمک

نویسنده: حسن شکری پینوندی

ناشر: نیلوفرانه

چاپخانه: بقیع

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۰

تیراژ: ۵۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۳۲-۲۲-۵

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ است.

مراکز پخش:

قم، خیابان سمیه، کوچه ۴۰، پلاک ۱۶، انتشارات نیلوفرانه

تلفن: ۷۷۴۱۸۳۳ / همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۷۶۹۱

کرج، بلوار امام زاده حسن، مقابل مصلای نماز جمعه

همراه: ۰۹۱۲۱۶۲۶۰۴۶ آقای نورداد

ایلام، خیابان آیت الله حیدری، جنب پمپ بنزین بی طرف،

مطبوعات جام جم، همراه: ۰۹۱۸۳۴۱۵۷۷۱ - ۰۹۳۵۹۰۹۳۷۲۰

آقای لطفی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۳	پیش‌گفتار.....
۳۰	حوری جهنم.....
۳۰	حماقت.....
۳۱	نماز وحشت.....
۳۱	مرگ زودرس.....
۳۱	پا به هوا.....
۳۲	زن باارزش.....

۳۲	 ستاره آسمون
۳۳	 دلیل درمان
۳۳	 کوک ساعت
۳۴	 خاطره خوش
۳۴	 اعمال شاقه
۳۴	 اشغری
۳۵	 شونزده
۳۶	 زنِ مردم
۳۶	 پلاک ماشین
۳۶	 بله دوا تشه
۳۷	 خرابی تعطیلات
۳۷	 شکار پلنگ
۳۸	 نامه نانوشته
۳۸	

۳۸	خط قرص
۳۹	مجازات صدام
۳۹	الشکمه
۳۹	پس فردا
۴۰	دوست دختر
۴۰	رژیم
۴۰	جراحی لرزشی
۴۱	شادروان
۴۱	بلوات
۴۲	بازیکن اخراجی
۴۲	مسئول محترم
۴۳	بلیط‌های پاره
۴۳	پارک
۴۴	جاگذاری

- ۴۴ پیشروی
- ۴۴ فتوکپی برابر اصل
- ۴۵ شنای اعدامی
- ۴۶ کمتر از الاغ
- ۴۶ رمی جمرات
- ۴۶ لیوان عجیب
- ۴۷ شنا نمی‌دانم
- ۴۷ دکتر صبور
- ۴۸ قصد فروش
- ۴۸ سیگار
- ۴۹ عمل تشریح
- ۴۹ نازایی موروئی
- ۴۹ کزمو
- ۵۰ جراح ماهر

۵۰	 سؤال
۵۱	 مرد عوضی
۵۱	 برگشتی
۵۲	 بلای فراموشی
۵۲	 کیک آتشین
۵۲	 لیست گدایان
۵۳	 هدیه تولد
۵۳	 شتر مرغ
۵۴	 افسردگی ماری
۵۴	 بچه فیل
۵۴	 خواهر میمون
۵۵	 شعر تگری
۵۵	 زن واژدها
۵۶	 داله

۵۶	کار و کاسبی.....
۵۷	تبرئه.....
۵۷	علت دستگیری.....
۵۷	اعجاز خربزه.....
۵۸	جشن مُشت‌زنی.....
۵۹	پیراهن گل‌گلی.....
۵۹	جنس‌کت.....
۶۰	پیامبر خوش ذوق.....
۶۰	مسابقه کشتی.....
۶۱	فراری.....
۶۱	افسانه آفرینش.....
۶۲	درگیری.....
۶۲	نزول عذاب.....
۶۳	بوسه کافوت.....

۶۳	حفظ جا.....
۶۴	رفته هستم.....
۶۴	نماز تجاری.....
۶۵	زیر صفر.....
۶۵	عقد مادر.....
۶۶	میل مبارک.....
۶۶	درس خوان ها.....
۶۶	پهن تر.....
۶۷	قطع و وصل.....
۶۷	شیر یا خط.....
۶۸	خیساندن.....
۶۸	تقسیم کار.....
۶۸	کارنامه.....
۶۹	فقط دو تجدید.....

۶۹	پدر شکرگزار.....
۶۹	عمل مخلصانه.....
۷۰	جایزه بزرگ.....
۷۰	نام زن ابلیس.....
۷۱	آرزوی خسیس.....
۷۱	جیگر.....
۷۲	قد کشیدن بابا.....
۷۲	وسط حرف.....
۷۲	خواب نیمه صادق.....
۷۳	پنج دقیقه نوری.....
۷۳	بهشت سکوت.....
۷۴	چمن قورمه.....
۷۴	خوراک زبان.....

۷۵		بجّه حوا:
۷۵		جواب دیپلماتی
۷۶		چای داغ
۷۶		من هم دارم
۷۷		چاقوکشی
۷۷		زنبورهای مامانی
۷۷		جایگاه والا
۷۸		دُم بریده
۷۸		کابوس
۷۹		سوسک افسرده
۷۹		کتاب آشپزی
۷۹		نابکار
۸۰		پدربزرگ
۸۰		خاطره جالب

- ۸۱ بهای تضاعدی
- ۸۱ بوسه
- ۸۲ کارت ویزیت
- ۸۳ خویش و قوم
- ۸۳ سلام نظامی
- ۸۴ خبر خوش
- ۸۴ خلأ دردناک
- ۸۵ تن سالم
- ۸۵ مدح دروغین
- ۸۵ فضله طاهر
- ۸۶ تنفس با اعمال شاقه
- ۸۶ هذیان
- ۸۷ یه ذره عشق
- ۸۷ در بهار بهشت

۸۸	 عاقّ والدین
۸۸	 استماع
۸۸	 خود ساخته
۸۹	 داماد میمون
۸۹	 شوهر بی نظیر
۹۰	 برگ عیش
۹۰	 اعتقاد به طیب
۹۱	 کله گنجشکی
۹۱	 شوهر یا آقا
۹۲	 خاک نرم
۹۲	 مادر بی سواد
۹۳	 خرید جوراب
۹۳	 بی مغزی
۹۳	 قسم به کاپشن

۹۴	آدم بی فکر.....
۹۴	مُجَرَّب.....
۹۵	عیادت جنازه.....
۹۵	روماتیسم.....
۹۶	نوار مغز.....
۹۶	مقاویج.....
۹۷	دلداری.....
۹۷	نامه نارس.....
۹۸	بچه ازه.....
۹۸	معلم جغرافی.....
۹۸	لوله کشی.....
۹۹	بیل.....
۹۹	تشکر از دکتر.....
۱۰۰	دیوار نامرئی.....

خیال باطل	۱۰۰
سفارش دکتر	۱۰۱
پنجه گربه	۱۰۱
دیوار رنگی	۱۰۱
شاخ و شیر	۱۰۲
مسأله تحقیقی	۱۰۲
دختر صد ساله	۱۰۳
زاهد	۱۰۴
دماغ تماشایی	۱۰۴
تغار نفیس	۱۰۵
خوشنویس	۱۰۶
خونبهای اندک	۱۰۶
اتاق خواب گاوی	۱۰۷
مطالعه روزنامه	۱۰۸

۱۰۸	آموزش شنا.....
۱۰۹	بچه تهرون.....
۱۰۹	رهایی.....
۱۰۹	رضایت از زن.....
۱۱۰	پدر شجاع.....
۱۱۰	فرق گاو و خر.....
۱۱۱	انفجار شکم.....
۱۱۱	نگهبان.....
۱۱۲	بی‌نظمی.....
۱۱۲	لگدمالی.....
۱۱۳	فضولی.....
۱۱۳	زهرمار.....
۱۱۴	پروفسور.....
۱۱۴	جگر سوز.....

۱۱۵	 واگیردار
۱۱۵	 در فکر دیگران
۱۱۵	 خورش خالی
۱۱۶	 خرج نهایی
۱۱۶	 گرانی بنزین
۱۱۷	 پدر خوشبخت
۱۱۷	 نصیحت
۱۱۸	 گرگ‌ری
۱۱۸	 خیال بی جا
۱۱۸	 قاطر قیمتی
۱۱۹	 تحریم
۱۱۹	 جهنم بی دردسر
۱۲۰	 آدامس خروس‌نشان
۱۲۰	 مردان بزرگ

۱۲۰	قاتل
۱۲۱	لباس فروشی
۱۲۱	گل
۱۲۲	آدم جدی
۱۲۲	برادر دانشگاهی
۱۲۳	گدای گرسنه
۱۲۴	بی‌کار
۱۲۴	خاطره
۱۲۴	رخت‌کن
۱۲۵	شیفت شب
۱۲۵	ابوالقا
۱۲۶	زن هزاره
۱۲۶	باستان شناس
۱۲۷	شعر منثور

۱۲۷	چای کمرنگ.....
۱۲۸	طفلی.....
۱۲۸	کوری بهاری.....
۱۲۸	بدبختی بزرگ.....
۱۲۹	درس عبرت.....
۱۲۹	همجنس.....
۱۳۰	کنگر و لنگر.....
۱۳۱	وفات سعدی.....
۱۳۱	ضرب ناقابل.....
۱۳۲	ادّاعای خدایی.....
۱۳۲	موقع مناسب.....
۱۳۲	کنتور دوپا.....
۱۳۳	نصف النهار.....
۱۳۳	کُت ایدزی.....
۱۳۴	تخم مرغ نیم پز.....

- ۱۳۴ جنگل
- ۱۳۴ دار و ندار
- ۱۳۵ فوتبال
- ۱۳۵ نبض مریض
- ۱۳۶ دهن کجی
- ۱۳۷ شهر ارواح
- ۱۳۷ خرچنگ قورباغه
- ۱۳۸ چوب ماهیگیری
- ۱۳۸ قید حیات
- ۱۳۹ در شیشه
- ۱۳۹ داروی فرار
- ۱۴۰ موشی
- ۱۴۰ عاقبت نخست‌وزیری
- ۱۴۱ فاعل

پیش گفتار

مقوله مطایبه، طنز، شوخی و مزاح یکی از نیازهای زندگی بشر است؛ به ویژه بشر امروز که درگیر مشکلات گوناگون و زندگی ماشینی است. افرادی که عبوسند و چهره‌ای گرفته دارند در ارتباط با دیگران و رفع نیازهایشان دچار مشکل می‌شوند. به قول شاعر:

نیست ایمن ز بلا هر که گره پیشانی است

سنگ بر سر خورد آن پسته که خندان نبود

مقوله مطایبه و مزاح نه تنها با اخلاق اسلامی منافاتی ندارد، بلکه در روایات معتبر نیز مورد سفارش واقع شده است. پیامبر

گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «کسی که مؤمنی را شاد کند، مرا شاد کرده است و کسی که مرا شاد کند، خداوند را شاد کرده است.» (اصول کافی ۲ / ۱۸۸). امام باقر علیه السلام می‌فرماید: یعنی «محبوب‌ترین عمل نزد خدا، وارد کردن شادی در دل افراد مؤمن (و مسلمان) است.» (محاسن ۲ / ۱۴۳).

بزرگان دین و معصومین علیهم السلام هر یک به اندازه کافی از روحیهٔ ادخال سرور و شادی در قلب مؤمنان برخوردار بوده‌اند. البته مزاح‌هایشان با تقوا همراه بود؛ یعنی مثلاً مزاح را با دروغ، اذیت، توهین و ... مخلوط نمی‌کردند. پیامبر (ص): إِنِّي لَأَمْزُحُ وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا، من شوخی نمی‌کنم ولی بجز حق نمی‌گویم. به عنوان نمونه آورده‌اند: روزی صفیهٔ عمهٔ پیامبر که پیرزنی بود ضمن صحبت، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درخواست کرد که در حق او دعا فرماید تا آمرزیده شده و به بهشت برود. حضرت بلافاصله فرمود: «اصلاً پیرزن‌ها به

بهشت نمی‌روند» صفتی که این جمله را شنیدند زنگار شد و گفتند:

کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تبسمی کرده و فرمود: نگران نباش؛ منظورم این است که پیرزنان مؤمن، اول جوان شده، آنگاه به بهشت می روند. صفیه آنگاه که این سخن را شنید، خوشحال شد.
(زهرالربیع / ۷)

از نظر امیرالمؤمنین علیه السلام چون انسان آن اندازه ثروت و دارایی ندارد که بدان وسیله مردم را از خود خوشنود و راضی نگاه دارد، پس لازم است با چهره و برخوردی نیکو، آنان را از خود راضی بگرداند.

علمای بزرگ اسلام نیز پیرو سنت حسنه مطایبه، و مزاح بوده و لطایف بسیاری از آنان نقل شده است. (به عنوان نمونه ر.ک: صفحه ۲۷۲، لطیفه ۵۸۱).

نکته مهم این است که گوینده، لطیفه ای بگوید که به اصطلاح با هم بخندند نه به هم. ما در این مجموعه از آوردن لطیفه هایی که به قوم یا اسم خاصی اشاره می کند، خودداری کرده ایم. بعضی ها برای

این که هر گونه لطیفه را به قوم خاصی نسبت دهند، با آوردن کلماتی مانند کافر و ... توهین آمیزترین لطایف را بیان می‌کنند؛ غافل از این که این عمل از قباحات کارشان نمی‌کاهد و تنها خود را گول می‌زنند و آنان نیز همچنان مشمول حکم حرمت غیبت هستند.

در خاتمه توجه خوانندگان گرامی را به نکاتی چند جلب می‌کنیم:

۱. لطایف قرآنی را در این مجموعه نیاورده‌ایم تا شأن و حرمت

آن محفوظ بماند.

۲. واقعاً سعی ما بر آن بوده که لطایف خنده‌دار را در این

مجموعه بیاوریم؛ یعنی مجموعه حاضر دستاورد مطالعة صدها

لطیفه بوده که آن را گلچین کرده و لطایف خنده‌دار را انتخاب

نموده‌ایم و اگر در عین حال، با لطیفه‌های بی‌مزه‌ای هم در این

مجموعه برخورد کردید، باور کنید که این گونه لطایف در برخی

مواقع خنده‌دارتر از لطیفه‌های بامزه است. اگر این گونه لطیفه‌ها

می‌کند؛ چون سلايق مختلف است و طبایع متفاوت. (شوخی طبعی گفته «اگر دوستی برای لطیفه خنک و بی مزه‌ای گفت و خنده‌دار نبود، با صدای بلند بخند؛ چون ممکن است گمان کند که لطیفه را خوب نفهمیده‌ای و دوباره برای تعریف کند. مگر نه این است که آدم کر، وقتی لطیفه‌ای برایش تعریف شود، دو بار می‌خندد و بار دوم موقعی است که لطیفه را می‌فهمد و از آن، خنده‌اش می‌گیرد»).

۳. اصولاً مسخره کردن مردم، کاری جاهلانه است؛ همان گونه که این مطلب از آیه ۶۷ سوره مبارکه بقره بدست می‌آید. لذا لطیفه تعریف کردن، نباید به قصد تمسخر افراد و گروه‌ها باشد.

۴. لطایفی که به شخص خاصی کنایه نزده و مخاطبش گروه خاصی مانند پزشکان، قاضیان، مادرزن‌ها، پسرزنان، عروس و دامادها و... است، ذکرش خالی از لطف نیست و اگر در این حد نیز از ذکر لطیفه خودداری شود، دایره لطیفه بسیار محدود می‌شود. ذکر این گونه لطایف به جهت ایجاد روحیه شادی در افراد است؛ علاوه

بر این که رسالت طنز نیز این است که ناهنجاری‌های اجتماعی را در قالب لطیفه بیان نماید؛ زیرا در برخی از موارد، نویسندگان و گویندگان یک رشته مطالب انتقادی و پندها و اندرزها را در قالب لطیفه ریخته و جامعه طنز بر آن می‌پوشانند تا از ابتذال و تلخی پند و نصیحت بکاهند و به قول شیخ اجل سعدی: «داروی تلخ نصیحت، به شهد ظرافت برآمیزند و چراغی تابان از معنی و حقیقت، فرا راه مردمان بدارند». به بیان دیگر می‌توان گفت که طنز سالم خود یکی از شیوه‌های مهم امر به معروف و نهی از منکر است. با توجه به تمام آنچه عرض شد، در عین حال اگر عده‌ای از گروه‌های مذکور به خاطر کمی ظرفیت یا به هر دلیل دیگر از این گونه لطایف رنجیده شوند، همین جا از آنان عذر خواسته و دوام توفیقاتشان را از درگاه خداوند بخشایشگر خواستاریم.

۵. برای این که به اسامی توهین نشده و صاحبان اسامی نیز ناراحت نشوند، در لطیفه‌ها از عناوین کلی استفاده کرده و نام

خاصی را نبرده ایم؛ مثلاً به جای اسم سعید از واژه هایی مانند «مردی»، «شوهری»، «شاگردی»، «مجتبای»، «شخصی»، «پسری»، «مردی»، «دانش آموزی» و... استفاده کرده ایم.

در پایان لازم به ذکر است که اگر در برخی از لطیفه ها احساس شود که به طور ناخواسته به فرد یا گروهی توهین شده، در همین جا معذرت خواهی خود را اعلام می کنم و یقین بدانند که عمدی در کار نبوده است؛ یعنی هدف، توهین نبوده است. خداوند همه را مورد لطف و بخشش خود قرار دهد.

امیدواریم همیشه چهره ای خرم و خندان داشته باشید.

والسلام

قم مقدّس، اردیبهشت ۱۳۸۹

انتشارات نیلوفرانه